

The Role of Work and Production in the Economic Growth of Society from the Jurisprudence's View

Kamal Mohammad Beigi¹, Faezeh Moqtadaei^{2*}, Younes Vahediarajan³

1. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
3. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 89-105

Article history:

Received: 14 Feb 2022

Edition: 27 Mar 2022

Accepted: 21 Apr 2022

Published online: 10 Jan 2023

Keywords:

Production, Employment, Economic Growth, Social Justice, Distributive Justice

Corresponding Author:

Faezeh Moqtadaei

Address:

Department of Jurisprudence and Law,
Faculty of Theology and Islamic
Studies, North Tehran Branch, Islamic
Azad University, Tehran, Iran.

Orchid Code:

0000-0002-6451-7792

Tel:

09121236533

Email:

faezehmoghtadaee@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: Production and employment are regarded as the significant economic issues in any society that have different impacts and consequences. In the present paper, an attempt has been made to study the role of work, production, and employment in the economic growth of society from a jurisprudential view.

Materials and Methods: This paper applies a descriptive-analytical method, and the library method is used.

Ethical considerations: In this paper, the texts' originality, honesty, and trustworthiness have been observed.

Findings: Much emphasis is placed on work, effort, and production in Islamic jurisprudence, and also production and employment are effective in attaining the economic growth of society by cultivating the land and meeting human's needs. Economic growth in Islam, however, is not restricted to raising income and includes notions, such as distributive justice and social justice. From this view, production and employment, if they contribute to the realization of social justice, cause economic growth, and vice versa. If it is not effective in reducing poverty and discrimination in society, we could not talk about economic growth.

Conclusion: Economic growth in Islam needs a fair distribution of wealth, and thus, in macro-policies of economic improvement and growth, in addition to paying attention to gross national income, the issue of social justice and distributive justice should be regarded.

Cite this article as:

Mohammad Beigi K, Moqtadaei F, Vahediarajan Y. The Role of Work and Production in the Economic Growth of Society from the Jurisprudence's View. *Economic Jurisprudence Studies*. 2022; 4(4):89-105.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره چهارم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۱

نقش کار و تولید در رشد اقتصادی جامعه از منظر فقه

کمال محمد بیگی^۱، فائزه مقتدایی^{۲*}، یونس واحدیاريجان^۳

۱. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: تولید و اشتغال از موضوعات مهم اقتصادی در هر جامعه‌ای است که آثار و پیامدهای مختلفی دارد. در این مقاله تلاش شده نقش کار و تولید و اشتغال در رشد اقتصادی جامعه از منظر فقهی بررسی شود.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی تحلیلی بوده و برای جمع‌آوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است. **یافته‌ها:** در فقه اسلامی بر کار و تلاش و تولید تأکید زیادی شده و تولید و اشتغال از طریق آباد کردن زمین و تأمین نیازهای انسان در تحقق رشد اقتصادی جامعه تأثیرگذار است. رشد اقتصادی در اسلام اما صرفاً به افزایش درآمد خلاصه نشده و مفاهیمی چون عدالت توزیعی و عدالت اجتماعی را نیز شامل می‌شود. از این منظر، تولید و اشتغال چنانچه به تحقق عدالت اجتماعی کمک نماید مطلوب بوده و بر عکس چنانچه در کاهش فقر و تبعیض در جامعه موثر نباشد، نمی‌توان از رشد اقتصادی سخن گفت.

نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه، رشد اقتصادی در اسلام مستلزم توزیع عادلانه ثروت است، بنابراین لازم است، در سیاست‌های کلان توسعه و رشد اقتصادی، در کنار توجه به درآمد ناخالص ملی به بحث عدالت اجتماعی و عدالت توزیعی مورد توجه قرار گیرد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۸۹-۱۰۵

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۵

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۳/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰

واژگان کلیدی:

تولید، اشتغال، رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی، عدالت توزیعی

نویسنده مسئول:

فائزه مقتدایی

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، گروه فقه و حقوق.

تلفن:

۰۹۱۲۱۲۳۶۵۳۳

کد ارمک:

0000-0002-6451-7792

پست الکترونیک:

faezehmoghtadaee@yahoo.com

۱. مقدمه

تولید، اشتغال و رشد اقتصادی از مهم‌ترین مفاهیم اقتصادی است. در اقتصاد عرفی، رشد اقتصادی به‌عنوان شاخص کمی سنجش تولیدات سالانه یک کشور نسبت به سال‌های قبل و بعد شناخته می‌شود و برای این منظور با محاسبه درآمد ملی در طول هر دوره یک‌ساله افزایش و یا کاهش تولیدات اعم از کالاها و خدمات مشخص می‌گردد (مایه پی‌یر، ۱۳۶۸، ۱۳۵). در سطح کلان افزایش تولید ناخالص ملی در سال موردنظر در مقایسه با مقدار آن در یک سال پایه، رشد اقتصادی محسوب می‌شود. بر این اساس رشد اقتصادی به معنای افزایش بلندمدت ظرفیت تولیدی به‌منظور افزایش عرضه کالاهای هر چه متنوع‌تر اقتصادی به مردم است. این رشد ظرفیت بر پایه تکنولوژی پیش‌رونده، و تعدیلات نهادی و ایدئولوژیکی مقتضی چنین تکنولوژی است (مایکل تودارو، ۱۳۷۲، ۱، ۱۱۴). در این مقاله اما تلاش شده به بررسی نقش کار و تولید و اشتغال در رشد اقتصادی جامعه از منظر فقه پرداخته شود. اهمیت و ضرورت موضوع در این نکته مهم نهفته است که اسلام نظام اجتماعی ویژه و بهم پیوسته‌ای است که جنبه‌های گوناگون آن آمیخته به یکدیگر است. اسلام، نظامی است که در طبیعت اصول خود، درباره زندگی و اداره امور، به‌طور کلی با رژیم‌های سیاسی و نظام‌های موجود اختلاف دارد. اختلافی که کلی، اصیل و اساسی است (قطب، ۱۳۷۲، ۴۶). شهید صدر در این باره می‌گوید: «روش کار در هر یک از نظام‌ها با یکدیگر اختلاف کامل دارد چون این

محدودیت فکری را نظام اسلام با قوانین خداوند تعیین می‌کند نه با قدرت و قانون بشری، لیکن در نظام دموکراسی غربی این محدودیت به‌وسیله اعمال قدرت، و وضع قانون انجام می‌شود نه با میل و رغبت خود مردم. در نظام اسلامی، انسان‌ها این نوع محدودیت فکری را تکلیف شرعی خود می‌دانند لذا با میل و رغبت آن را می‌پذیرند چون سعادت و نفع واقعی خود را در آن محدودیت می‌بینند» (صدر، ۱۳۷۵، ۱۵۰). بر این اساس در شناخت نظام اقتصادی اسلامی نمی‌توان آن را به‌طور مجزا از یکدیگر بررسی کرد. در کنار تفاوت اساسی نظام اسلامی با نظام‌های اقتصادی رایج که بررسی عنوان مقاله حاضر را به یک ضرورت مبدل ساخته است، تاکنون تحقیق مستقل و جامعی در این خصوص انجام نشده است. البته تألیفات متعددی در زمینه رشد و توسعه اقتصادی انجام شده است: علیرضا پورفرج و خسرو پیرایی، در مقاله‌ای، به بررسی اثر تغییر ساختار تأمین مالی بودجه بر رشد اقتصادی در ایران پرداخته است. بر اساس نتایج مقاله مورد اشاره، اثر اندازه جاری بر رشد، منفی و اثر اندازه عمرانی دولت بر رشد، مثبت است. همچنین انتقال مازاد تراز واگذاری خالص دارایی برای تأمین کسری هزینه جاری، مخارج عمرانی را جیره‌بندی کرده و اثر مثبت اندازه عمرانی بر رشد را کاهش می‌دهد (پورفرج و پیرایی، ۱۳۸۳). فاطمه بزازان، نیز در مقاله‌ای، ضرایب فزاینده تولید، اشتغال و درآمد در مدل داده ستانده دو منطقه‌ای را بررسی کرده است. مطابق نتایج مقاله مذکور، کارایی نیروی کار بخش‌های استان

تولید و اشتغال بر رشد اقتصادی جامعه از منظر فقهی بحث شده است.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی بوده و برای جمع‌آوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

در فقه اسلامی بر کار و تلاش و تولید تأکید زیادی شده و تولید و اشتغال با آباد کردن زمین و تأمین نیازهای انسان در تحقق رشد اقتصادی جامعه تأثیرگذار است. رشد اقتصادی در اسلام اما صرفاً به افزایش درآمد خلاصه نشده و مفاهیمی چون عدالت توزیعی و عدالت اجتماعی را نیز شامل می‌شود. از این منظر، تولید و اشتغال چنانچه به تحقق عدالت اجتماعی کمک نماید باعث رشد اقتصادی شده و برعکس چنانچه در کاهش فقر و تبعیض در جامعه مؤثر نباشد، نمی‌توان از رشد اقتصادی سخن گفت.

۵. بحث

۵-۱. کار، تولید و اشتغال از منظر فقهی

کار، تولید و اشتغال از دیدگاه اسلام دارای اهمیت زیادی است. در فرهنگ و آموزه‌های قرآنی، زندگی مثبت و آرامش‌بخشی که رضایت خدا و انسان را

تهران بالاتر از بخش‌های متناظرشان در سایر استان‌ها است. همچنین اثرات بین منطقه‌ای اشتغال بخش‌های استان تهران بیشتر از سایر استان‌ها و بیشترین اثر در استان تهران مربوط به بخش صنعت است. بخش ساختمان در استان تهران و بخش عمده‌فروشی و خرده‌فروشی در سایر اقتصاد ملی بالاترین درآمد نیروی کار را ایجاد می‌کنند و بخش معدن در دو منطقه کماکان کمترین اهمیت اقتصادی را دارد (بزازان، ۱۳۹۰). همچنین محب‌اله مطهری و سائرین، در مقاله‌ای، اثرات نرخ ارز واقعی بر رشد اقتصادی در ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج مقاله مورد اشاره بر این امر دلالت دارد که وقتی نرخ ارز واقعی کمتر از این نرخ است، ارتباط مثبتی بین نرخ ارز واقعی و رشد اقتصادی وجود دارد اما پس از عبور از این آستانه و قرار گرفتن در رژیم بالای نرخ ارز واقعی، بین نرخ ارز واقعی و رشد اقتصادی ارتباطی منفی و معنی‌دار وجود دارد (مطهری و همکاران، ۱۳۹۶). اما به نقش کار و تولید و اشتغال در رشد اقتصادی جامعه از منظر فقه پرداخته نشده و سؤال اساسی که در این خصوص مطرح و بررسی می‌شود این است که کار و تولید و اشتغال از منظر فقهی چه تأثیری در رشد اقتصادی جامعه دارد؟ فرضیه مقاله بدین شکل قابل طرح است که «از منظر فقهی، کار و تولید در رشد اقتصادی تأثیر داشته و رشد اقتصادی در کنار درآمد ناخالص ملی، عدالت اجتماعی را نیز شامل می‌شود». به‌منظور بررسی سؤال و فرضیه مورد اشاره ابتدا، اهمیت و جایگاه کار تولید و اشتغال بررسی شده، سپس از تأثیر

تأمین کند و بر وجود انسان گوارا باشد، زمانی شکل می‌گیرد که انسان در زیر لوای ایمان به فعالیت سازنده و مستمرش بپردازد قرآن کریم می‌فرماید: «که هر زن و مردی که کاری نیکو انجام دهد، اگر ایمان آورده باشد زندگی خوش و پاکیزه‌ای به او خواهیم داد و پاداشی بهتر از کردارشان عطا خواهیم کرد» (نحل/۹۷). انسان نباید در فقر و غنی بودن، خود را مستغنی از کار و تلاش ببیند.

پیشوایان اسلام، مسلمانان را به تجارت و صدقات جاریه مانند وقف باغ، مزرعه، مرتع و مانند آن تشویق می‌کنند و کار و تولید را مایه‌ی عزت آنان می‌خوانند. رسول خدا صلی‌الله علیه و آله می‌فرماید: «اصلاح و بهره‌ور ساختن مال، جوانمردی است» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ۳، ۱۶۶). معلی بن خنس می‌گوید: امام صادق علیه‌السلام مرا دید که دیرتر از دیگران به بازار (محل کار) می‌روم به من فرمود: «بامدادان به‌سوی عزت خود روانه شو» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ۳، ۱۹۲). تعبیر از محل کسب به «عزت» بدین معناست که کار، تولید و بهره‌رسانی ثروت، عزت است. از دید فقها، هر کس در امر دنیا (تحصیل معاش) کسالت ورزد هر آینه در امر آخرتش سست‌تر است» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۲، ۳۷). حتی در جایی که مسلمانان از کار و تلاش بی‌نیاز نیز باشند، بازهم مسلمانان ترغیب به کار و فعالیت شده‌اند. امام صادق (ع) به یکی از اصحابش بنام معاذ که از کار کناره گرفته بود می‌فرماید: «آیا به علت ضعف و ناتوانی دیگر کار نمی‌کنی؟» وی در جواب گفت خیر، اندوخته فراوانی دارم و بدهکار به کسی نیز نمی‌باشم و همین ثروت مرا تا آخر عمر

کفایت می‌کند که خود را به زحمت نیندازم. امام در پاسخ وی می‌گوید: «با این وجود ترک کار را مکن که ترک کار، عقل را زایل کند» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۲، ۶). جهت‌گیری‌های ایجابی احکام و قوانین اقتصادی اسلام را در ترغیب مسلمانان به تولید و فعالیت و رشد و توسعه اقتصادی را می‌توان در موارد ذیل جستجو نمود: الف) احیاء زمین موات، موجب مالکیت یا حق اولویت می‌گردد. ب- حفر و احداث چاه، نهر و قنات موجب مالکیت می‌گردد. ج) کشف و استخراج معادن باطنی موجب مالکیت می‌گردد. د) حفر معدن قبل از رسیدن به رگه‌هایی از معدن و تجهیز زمین موات و حفر چاه پیش از رسیدن به آب، موجب حق اولویت می‌گردد. ه) جمع‌آوری هیزم و سنگ‌های دشت و بیابان، حیات آب از نهرها و دریاها، شکار حیوان یا گرفتن آن، موجب مالکیت می‌گردد. و) مالکیت اموال و املاک انسان پس از مرگ به نزدیکان و بستگان وی مطابق با احکام شرع اسلام به ارث می‌رسد که این نیز مشوقی برای تولید و فعالیت‌های اقتصادی است. سید جمال‌الدین واعظ یکی از علما، کتابی به نام «لباس التقوی» در دفاع از تولید داخلی نوشت و علمایی همچون سید اسماعیل صدرالدین عاملی سید محمدکاظم یزدی، آخوند خراسانی، محمد الغروی الشریانی، محمدحسن ممقانی، فتح‌الله اصفهانی (شریعت اصفهانی) بر آن مهر تأیید زدند. در بخشی از این کتاب آمده است: «بر مسلمانان لازم است لباس ذلت تولید خارج را از تن بیرون کنند و لباس عزت ساخت داخل را بپوشند» (رجبی، ۱۳۸۲، ۶۷).

آیت‌الله آخوند خراسانی در نامه‌ای به مظفرالدین شاه، وی را دعوت به حمایت از شرکت اسلامی می‌کند (رجبی، ۱۳۸۲، ۶۷). سید محمدکاظم یزدی، ملا محمدحسن مامقانی، ملا عبدالله مازندرانی، حاجی میرزا محمدحسن نوری، حاج‌آقا صدر اصفهانی و برخی دیگر از علما، در نامه‌های جداگانه‌ای، از تأسیس این شرکت حمایت کردند و آن را برای مسلمین ضروری تشخیص دادند (نجفی، ۱۳۹۰، ۱۸۳-۱۷۸). امام رضا (ع) می‌فرمایند: «آن‌کس که کار بیشتری می‌کند تا درآمدش برای خود و کسانش بسنده باشد، در نزد خدا پاداشی بزرگ‌تر از پاداش مجاهد فی سبیل الله دارد» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۲، ۴۳). «تلاش‌کننده برای اداره‌ی خانواده و زندگی مانند مجاهد در راه خداست» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۲، ۴۲). با وجود تأکیدات اسلام، ارزش کار، مطلق و بی‌قیدوشرط نیست بلکه منوط به رعایت شرایطی است. امام علی (ع) می‌فرمایند: «ایمان و عمل دو برادر دوقلو و رفیق‌اند که از هم جدا نمی‌شوند» (حکیمی، ۱۳۶۸، ۱، ۲۴۶). آن حضرت همچنین می‌فرمایند: «از تنبلی بپرهیزید زیرا کسی که تنبلی می‌کند حق خدا را ادا نکرده است» (الحرانی، ۱۳۸۲، ۱۱۰). با این توصیف، معلوم است کسی که اهل کار و فعالیت است درواقع به حق الله احترام گذاشته و کسی که از کار روی‌گردان است به خدا بی‌احترامی کرده است. از امام باقر (ع) نقل است که: «من از کسی که در کار دنیایش تنبل باشد ناخشنودم. کسی که در کار دنیایش تنبل باشد در امور مربوط به آخرتش تنبل‌تر است» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۷،

۵۹). با این توصیف، کار و تلاش سازنده و مثبت خواست خداست و مسلماً آنچه که باعث خشنودیش می‌شود ائمه (ع) و پیامبر (ص) را نیز خوشحال می‌کند و این امر باعث لذت‌بخش شدن زندگی می‌شود. در فرهنگ و آموزه‌های قرآنی، زندگی مثبت و آرامش‌بخشی که رضایت خدا و انسان را تأمین کند و بر وجود انسان گوارا باشد، زمانی شکل می‌گیرد که انسان در زیر لوای ایمان به فعالیت سازنده و مستمرش بپردازد.

۵-۲. لوازمات تولید از منظر فقه

یکی از مهمترین لوازمات تولید در فقه، داشتن برنامه و برنامه‌ریزی است. امام علی (ع) می‌فرمایند: «مؤمن، برای وقت خود برنامه‌ریزی دارد: قسمتی از وقت را به مناجات خدا و خودسازی می‌گذراند و بخشی از آن را به فعالیت‌های اقتصادی و بهبود زندگی خود اختصاص می‌دهد و ساعاتی نیز به استراحت و تفریحات سالم می‌پردازد» (شریف الرضی، ۱۳۸۶، ۳۹۰). این برنامه‌ریزی مانع افراط و تفریط می‌شود. امام حسن (ع) می‌فرمایند: «جهد مکن در طلب جهد کردن کسی که جویای غلبه باشد و اعتماد مکن اعتماد کردن کسی که کاملاً کار خود را واگذارد، زیرا به‌درستی که طلب نمودن مال از جمله سنت است و نیکو کردن طلب از جمله عفت است و عفت دفع‌کننده رزق نیست» (الحرانی، ۱۳۸۲، ۱۶۸). امام صادق (ع) می‌فرمایند: «کسی که به‌گونه‌ای فعالیت کند که برای خواب و استراحتش وقتی نماند کسبش حرام است» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۲، ۱۱۸). به‌علاوه، کیفیت بالای

کار و استحکام و بی‌نقص بودن آن نیز شرط شایستگی عمل است. نبی اکرم (ص) می‌فرمایند: «هرگاه کسی از شما کاری انجام می‌دهد باید آن را محکم (بی‌نقص و عیب و استوار و مستحکم) انجام دهد» (حکیمی، ۱۳۶۸، ۵، ۲۹۸). سفارش به استحکام و اتقان باعث می‌شود که در جمیع امور مربوط به تولید و توزیع و مصرف، انسان از همه جوانب مطمئن باشد و با آرامش در عرصه‌ی زندگی فعالیت کند.

تعهد و تخصص از دیگر لوازمات تولید از دیدگاه فقهی است. انسان باید تعهد کاری داشته باشد: «و کسانی که امانت‌ها و عهدهای خود را رعایت می‌کنند» (معارج/۳۲). به علاوه باید مهارت و تخصص داشته باشد. امام صادق (ع) می‌فرمایند: «کسی که بدون علم کاری انجام دهد فساد آن بیشتر از اصلاح آن است» (حکیمی، ۱۳۶۸، ۱، ۱۱۸). در این روایت، منظور از علم همان تخصص است که از شروط مهم کار و فعالیت است. در مکتب اسلام، تأکید و سفارش‌های زیادی نسبت به تحصیل فنون و مهارت‌های اقتصادی وارد شده است و اضافه بر آن نیز مسلمانان موظف‌اند با کسب مهارت‌های لازم در امر تولید و رشد اقتصادی راه سلطه کفار بر مسلمین را به موجب تعالیم اسلامی مسدود نمایند (ابن جوزی، ۱۴۱۵، ۲، ۱۴۶).

«[اسلام] فراگرفتن جمیع فنون و صنایع روز را بر مسلمانان، واجب گردانیده است. مسلمانان موظف گردیده‌اند از عالی‌ترین حد تخصص در زمینه‌های مختلف برخوردار گردند تا با نیروی معنوی علمی و مادی، در اجرا نقش رسالت جهانی اسلام با

همدیگر همکاری کنند. در سوره انفال آیه ۶۰ می‌فرماید: برای آن‌ها هر نیرویی که می‌توانید فراهم نمائید. واژه «نیرو» به‌طور مطلق شامل همه نیروهایی است که امکانات امت پیشرو را در ابلاغ رسالت برای همه ملل جهان افزایش می‌دهد. در رأس همه آن نیروها وسایل معنوی و مادی رشد ثروت است که، موجبات تسلط بشر را بر طبیعت فراهم می‌نماید» (صدر، ۱۳۷۵، ۴۸۴). علاوه بر این، از منظر فقهی، تقسیم وظایف به بهبود وضع کار کمک کرده و از اغتشاش و سرگردانی در امور جلوگیری می‌کند. امام علی (ع) در وصیتی به فرزندشان امام حسن (ع) می‌فرمایند: «برای هر یک از خدمتگزارانت کاری معین کن تا در برابر آن پاسخگو باشند» (شریف الرضی، ۱۳۸۶، ۳۱). تقسیم کار از منظر اقتصادی باعث سرعت در تولید می‌شود. تقسیم کار سبب می‌شود هرکس تقصیر را به دیگری نسبت ندهد و این گونه در انجام کار، مسامحه و کم‌کاری شکل نمی‌گیرد. با این توصیه، هر کسی در جایگاهی که برایش تعریف شده قرار می‌گیرد و از هرج و مرج جلوگیری می‌شود و در صورت کم‌کاری و کوتاهی از جانب کسی، عواقبش متوجه خودش می‌شود و اگر تشویقی صورت می‌گیرد مشخص می‌شود حق چه کسی است و به ناحق به کسی مهر کم‌کاری زده نمی‌شود و یا بیجا کسی تشویق نمی‌شود.

۵-۳. نحوه تأثیر تولید بر رشد اقتصادی

قبل از بررسی نحوه تأثیر تولید بر رشد اقتصادی از منظر فقهی باید به این نکته مهم اشاره کرد که

۵-۳-۱. رشد اقتصادی از طریق رفع نیازمندی‌های

جامعه

یکی از روش‌های تأثیر تولید و اشتغال بر رشد اقتصادی، رفع نیازمندی‌های جامعه است. انسان از هر طبقه و صنف و گروهی که باشد با هر عقیده و مرامی، جمعی زندگی می‌کند زیرا به‌تنهایی قادر به تأمین نیازهایش نیست. از این رو، گاهی در بعضی امور از همنوعش کمک می‌گیرد. این امر از طریق تولید و اشتغال انجام می‌پذیرد. توسعه کالاها و خدمات جدید نیز رشد اقتصادی ایجاد می‌کند. رشد اقتصادی را در واقع می‌توان در افزایش تولید کالاها و خدمات اقتصادی، در مقایسه با یک بازه زمانی دیگر تعریف کرد. این مفهوم همچنین می‌تواند به صورت اسمی یا واقعی با توجه به نرخ تورم، تنظیم و اندازه‌گیری شود. بر این اساس هرچقدر نیازهای جامعه بیشتر تأمین و کالاها و خدمات بیشتر تولید گردد، رشد اقتصادی بیشتر خواهد بود. امام صادق علیه‌السلام در تولید به چند اصل اساسی اشاره دارند: (۱) اصل احتیاج عمومی؛ (۲) اصل سودمندی عمومی؛ (۳) اصل قوام بودن اجتماعی؛ (۴) اصل پاسخگویی به نیازمندی‌های عمومی توده‌ها؛ (حکیمی، ۱۳۸۰، ۶، ۲۶۴). اصول مورد اشاره امام صادق بر دو محور اساسی مبتنی است: (۱) نیازمندی عمومی، ۲- نفع عمومی (ابن شعبه، ۱۳۸۲، ۲۴۸-۲۴۷). هر مسلمانی می‌تواند در چارچوب نظام اقتصادی اسلام و در سایه کار و تلاش از حقوق مالکیت برخوردار گردیده بدین‌وسیله به برخورداری بیشتری از مواهب طبیعی برای خود و رشد و توسعه برای جامعه

منظور اسلام از رشد اقتصادی صرفاً افزایش درآمد سالانه نیست. منظور اسلام از رشد اقتصادی معطوف به توسعه اقتصادی است. در کلیه تعاریف موجود، توسعه یک مفهوم اقتصادی صرف نیست و تنها به پیشرفت صنعت و تکنولوژی و یا تغییر و افزایش نرخ رشد اقتصادی و افزایش درآمد ملی محدود نمی‌شود، بلکه در ابعاد گسترده‌تری مسائل مربوط به فقر، نابرابری، شهرگرایی، بیکاری، توزیع درآمد ملی و شرایط بهینه زندگی و مناسبات اجتماعی و... را نیز دربر می‌گیرد» (دری نجف‌آبادی، ۱۳۹۲، ۱۲۷). موضوع مهم دیگر اینکه اسلام برای حکومتی عدل گستر آمده است. «طریق اسلامی این است که مستضعفین را حمایت کنند» (خمینی، ۱۳۷۸، ۴، ۵۹). اسلام به این منظور به وجود آمده که به انسان، ابعاد واقعی و شأن انسانی عطا کند؛ یعنی انسان را از نظر زندگی اجتماعی، شخصی و سیاسی تحول بخشد و به غنای روحی انسان یاری دهد» (مطهری، ۱۳۶۸، ۶۷). امام خمینی (ره) درباره نظام عادلانه اسلامی در پرتو تحقق شریعت و احکام الهی آن می‌فرماید: «اگر احکام اسلام پیاده بشود مستضعفین به حقوق خودشان می‌رسند تمام اقشار ملت به حقوق حقه خودشان می‌رسند، ظلم و جور و ستم ریشه‌کن می‌شود... در جمهوری اسلامی عدل اسلامی جریان پیدا می‌کند، عدالت الهی سایه می‌افکند بر تمام ملت» (خمینی، ۱۳۷۸، ۵، ۲۷۹). با توجه به پیش‌فرض‌های مورد اشاره در این قسمت به بررسی نحوه تأثیر تولید بر رشد اقتصادی از منظر فقهی پرداخته می‌شود.

اقتصادی دست یابد. اسلام با نهی از دنیاگریزی منفی و رهبانیت، همگان را به کار و تلاش دعوت و ترغیب می‌کند و بلااستفاده گذاشتن منابع طبیعی را نوعی ناسپاسی در مقابل نعم الهی محسوب می‌دارد و از همگان می‌خواهد که با کار و تلاش بر محور ارزش‌های انسانی اسباب سعادت دنیوی و اخروی خویش را فراهم نمایند (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ۶۳). که می‌توان آن‌ها نمونه‌ای از جهت‌گیری‌های ایجابی اسلام در تولید قلمداد نمود و از سوی دیگر با جهت‌گیری‌های سلبی از تمرکز و انباشت ثروت بدون کار و تولید در دست عده‌ای محدود جلوگیری می‌کند. رسول اکرم صلی‌الله علیه و آله فعالیت‌های اقتصادی را از آن جهت که باعث تأمین نیازهای جامعه می‌شود را بسیار ارزشمند می‌دانست. آن‌گونه که آن حضرت، کارگران و تولیدکنندگان را تشویق می‌کرد. آن حضرت در گفتاری حکیمانه، افراد تنبل و بی‌حال را که تن به کار نمی‌دهند و می‌کوشند از دسترنج دیگران بهره‌مند شوند، به شدت نکوهش کرده است و می‌فرماید: «ملعون است، ملعون است، کسی که اعضای خانواده‌اش را به خاطر ندادن نفقه تباه کند» (مجلسی، ۱۴۱۰، ۱۳، ۱۰۰). پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله از کودکی به کار جدی و سخت عادت کرده بود و تا پایان زندگانی لحظه‌ای از جهد و کار و کوشش بازماند. در دوره‌ی پس از بعثت و مخصوص پس از هجرت که جزئیات زندگی آن حضرت روشن‌تر است، ساعات شبانه‌روز را با دقت خاصی تقسیم می‌کرد. اشتغال او به عبادت و اموری که مربوط به شأن نبوی آن حضرت بود، وی را از

توجه به امور عادی زندگی باز نمی‌داشت. بخشی از ساعات مفید روز را به امر معیشت خود و خانواده‌اش اختصاص می‌داد و بخش دیگری را به رسیدگی به امور مردم و اداره‌ی امور جامعه‌ی اسلامی (ولوی، ۱۳۸۱، ۱۷۲).

در سیره‌ی عملی حضرت علی (ع) نیز کار، جایگاه رفیع و بلندی دارد. در دوره خلفای سه‌گانه، امام علیه‌السلام به این به کار و فعالیت مشغول بودند و تعداد زیادی نخل کاشتند. طبیعی است که فعالیت‌های جانبی نگهداری نخلستان، مانند حفر چاه و آبیاری از دیگر فعالیت‌های امام علیه‌السلام بوده است. در روزهای سخت پس از ورود پیامبر صلی‌الله علیه و آله به مدینه که مسلمانان به لحاظ اقتصادی در تنگنا و سختی بسیاری به سر می‌بردند، علی علیه‌السلام به فعالیت‌های دیگری هم اقدام کرد. آب کشیدن از چاه جهت آبیاری از درختان خرمايي که متعلق به یکی از انصار یا فرد یهودی بود، از جمله فعالیت‌های آن حضرت است (کلینی، ۱۳۶۹، ۲، ۱۳۹). در قبال کشیدن هر دلو آب از چاه فقط یک‌دانه خرما دستمزد می‌گرفت و از همین طریق خود و خانواده‌اش را اداره می‌کرد. و در دوره‌ی خلفای سه‌گانه و پس از فتوحات که گشایش قابل توجهی در وضعیت اقتصادی مدینه به وجود آمد، آن حضرت از فعالیت‌های عمرانی و اقتصادی خود که اهم آن، حفر چاه و توسعه‌ی نخلستان بود، دست نکشید و سهمی را که از بیت‌المال می‌گرفت در این‌گونه زمینه‌ها که با توجه به شرایط آن روزگار سرمایه‌گذاری‌های عمومی و عام‌المنفعه بود سرمایه‌گذاری می‌کرد، به‌نحوی که

۵-۳-۲. آباد شدن زمین و ایجاد سرزندگی و

نشاط انسان

یکی دیگر از آثار تولید بر رشد اقتصادی از منظر فقهی، آباد کردن زمین است. در آیه ۶۱ سوره هود آمده است: «وَأَسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا؛ از شما طلب آباد کردن خواسته است در آن...». معنای «وَأَسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» همان «آباد کردن زمین به وسیله انسان‌هاست» (طبرسی، ۱۴۱۵، ۱۲، ۴۷۰). شما را آبادکننده‌ی زمین قرارداد که در آن کار و کشاورزی و صنعت و... انجام دهید (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۲، ۴۶۰). از این منظر خداوند انسان را سازنده زمین قرارداد تا با ساخت شهرها و حفر نهرها و کاشت درختان و گیاهان و بذرها و تسخیر چهارپایان آن را آباد کند (خطیب، ۱۴۲۴، ۶، ۱۱۶۲) و در آن ساکن شود (آلوسی، ۱۴۲۴، ۷، ۱۳۱). یکی از انبیا می‌پرسد: «دلیل آبادانی توسط انسان‌ها چیست؟» وحی می‌رسد: «بندگان من، زمین را آباد می‌کنند و در آن زندگی می‌کنند» (فخر رازی، ۱۴۲۳، ۱۸). شما را بر عمارت و آبادانی زمین قدرت داد» (حقی، ۱۴۲۴، ۴، ۱۵۳). آباد کردن زمین از طریق کار، تولید و اشتغال انجام می‌شود و این امر سرزندگی و نشاط انسان را به دنبال دارد. امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: «اگر مردم به هر آنچه نیاز داشتند بدون هیچ زحمت و تلاشی در اختیارشان نهاده می‌شد، لذت زندگی و گوارایی حیات را نمی‌چشیدند و از بیکاری خسته و افسرده می‌شدند» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۹، ۴۶). پس سرزندگی و نشاط انسان که از عوامل مهم تعالی روح و روان انسان است مستقیم تحت تأثیر کار و

تا قرن‌های بعد، بسیاری، از این چاه‌ها بهره می‌گرفتند و از خرماي کاشته شده توسط آن حضرت استفاده می‌کردند (فراهانی فرد، ۱۳۸۱، ۶). گفتنی است زمانی که علی علیه‌السلام به خلافت رسید باز هم دست از این گونه فعالیت‌ها نشست و زندگی شخصی او و خانواده‌اش فقط از همین طریق اداره می‌شد» (ولوی، ۱۳۸۱، ۱۷۵-۱۷۴). به نظر امام علی علیه‌السلام کسانی که به بیکاری یا به کارهای سهل و آسان خو می‌کنند و از خطر کردن در میدان‌های دشوار زندگی می‌هراسند، تا رسیدن به موفقیت و سعادت، فاصله‌ی بسیاری دارند (آمدی، ۱۴۱۰، ۷۳).

تولید کالاها و خدماتی از این جهت به رشد اقتصاد می‌انجامد که باعث رفع نیازها شده و حیات افراد بر آن مترتب است؛ به گونه‌ای که در اثر نبودن چنین تولیداتی، زندگانی بشر در معرض مخاطره قرار می‌گیرد. چون حفظ حیات افراد از واجبات شرعی می‌باشد؛ در نتیجه آنچه که در این مسیر باشد، باید انجام پذیرد. مثلاً اگر به واسطه‌ی نبود داروئی، افرادی به هلاکت می‌رسند، این یک واجب کفائی است که چنین داروئی تولید شود و همه در برابر انجام این عمل مسئول‌اند؛ مگر اینکه فرد یا افرادی در حد کفایت اقدام به تهیه‌ی آن بنمایند که در آن صورت، این وظیفه از دیگران ساقط می‌شود.

تلاش است. با توجه به مطالب مذکور به نظر می‌رسد که کار و تلاش، سرمایه‌ی انسان و جامعه است؛ لذا عامل برتری ملت‌ها بر یکدیگر بوده و انسان‌ها و جوامع را به اهداف خود می‌رساند. فقر و فلاکت و بدبختی محصول تنبلی و سربلندی و آسایش و امیدواری محصول کار و تلاش است. ملتی که اهل کار و فعالیت است با برطرف کردن نیازهای خود از خفت و ننگ و نیازمندی به دیگران و دست دراز کردن به این و آن رها شده و سربلندی خود را تضمین می‌کند. تلاش و فعالیت ملت‌ها هر چه بیشتر شود میزان دستیابی آن‌ها به کمال مطلوب بیشتر است.

۵-۳-۳. زکات بیشتر و رفع فقر

از دیدگاه فقه اسلام، تولید و اشتغال باعث ایجاد درآمد و لذا پرداخت زکات بیشتر و در نتیجه کاهش فقر و رشد اقتصادی می‌شود. زکات بخشی از ثروت ثروتمندان را به نیازمندان انتقال می‌دهد و بدین ترتیب نابرابری در توزیع درآمد را کاهش داده، با گرایش به تمرکز ثروت مبارزه می‌کند. عواید زکات در جهت خودکفا کردن نیازمندان در کوتاه‌ترین زمان ممکن است. قبل از آن، هدف این درآمدها، فراهم آوردن نیازهای مصرفی اولیه برای آن‌هاست (کميجانی و عسگری، ۱۳۸۳، ۶۴). البته تأثیر زکات و رشد اقتصادی متقابل است. به عبارتی وضع زکات دارای دو اثر متقابل بر پس‌انداز و سرمایه‌گذاری شخصی است. زکات سالانه بر پس‌انداز خالص بالاتر از حدنصاب، موجب تقویت میل به مصرف می‌شود. فرد پس‌اندازکننده ممکن

است خرسندی بیشتری از مخارج بیشتر کسب کند تا اینکه بخواهد از زکات سالانه که پس‌انداز خالص وی را تهدید می‌کند پرهیز نماید. ولی وضع زکات ممکن است یک عکس‌العمل کاملاً متفاوت در وی به وجود آورد. فرد پس‌اندازکننده به منظور حفاظت از ثروت خود در مقابل نابودی تدریجی، ممکن است ثروت بی‌کار خود را به منابع مالی یا حقیقی تبدیل کند، و نیز تمایل وی به سرمایه‌گذاری تقویت می‌شود. هردوی این تمایلات در تحلیل نهایی، منجر به افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات تولیدشده در جامعه می‌شود و تقاضای افزایش یافته برای کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای، به تولید بیشتر کمک می‌کند (کميجانی و عسگری، ۱۳۸۳، ۶۴). ماهیت تأدیبی زکات نسبت به کنز دارای اثر سالم و مثبت بر روی تمایل مردم به کار سخت‌تر و تلاش برای حفاظت از پس‌انداز خالص آن‌ها می‌شود. اگر ذخایر ناشی از دریافت زکات به سمت کانال‌های سرمایه‌گذاری جریان یابد، اثر منفی آن را روی پس‌انداز کاهش می‌دهد و بر تولید ناخالص ملی می‌افزاید. از طرف دیگر، هزینه کردن این ذخایر در سرمایه‌گذاری، اثر تراکمی روی کاهش فقر خواهد داشت. وی معتقد است نظام زکات، کنز را تقبیح و سرمایه‌گذاری را تشویق می‌کند و تقاضا برای سرمایه‌گذاری در نرخ مورد انتظار معینی از سود را در یک اقتصاد اسلامی، در مقایسه با سایر مکاتب اقتصادی، بالاتر خواهد برد. از آنجا که سرمایه‌گذاری یکی از عوامل تعیین‌کننده رشد است، لذا یک اقتصاد اسلامی با اجرای نظام زکوی دارای جهت‌گیری بیشتری به سمت رشد خواهد بود

(ابراهیمی، ۱۳۷۴، ۱۹۴-۱۹۲). درآمد زکات، برای افزودن بهره‌وری فقرا می‌تواند خرج شود. سرمایه‌گذاری مولد ذخایر زکات، برای تأمین مالی طرح‌های توسعه‌ای متنوع در آموزش و پرورش، مراقبت‌های بهداشتی، آب سالم و دیگر فعالیت‌های مربوط به رفاه اجتماعی، منافع فقرا را تأمین می‌کند. در اثر بالا رفتن بهره‌وری فقرا، درآمد آن‌ها نیز متعاقباً بالا خواهد رفت.

۵-۳-۴. عدالت اجتماعی و رشد و توسعه

اقتصادی

نظام اقتصادی اسلام علاوه بر وجوه مادی، مناسبات ارزشی و انسانی را همواره مدنظر قرار داده است. از این‌رو افزایش درآمد ملی و توانمندی‌های اقتصادی را به قیمت حذف ارزش‌های انسانی و اجتماعی هرگز پذیرا نیست و در این میان عدالت، اصلی بنیادین و محوری در جهان‌بینی اسلامی و غایت نظام اقتصادی و حکومت اسلامی به معنای وسیع آن می‌باشد که جوهره توسعه و رشد و بالندگی ابعاد مادی حیات انسانی نیز محسوب می‌گردد. نظام اقتصادی اسلام، افزایش تولید و ثروت را تنها وسیله و مقدمه‌ای می‌داند تا با برآورده شدن نیازها و خواسته‌ای مادی حیات انسان و اضافه بر آن رفاه عمومی جامعه، فرصتی برای توجه به نیازهای روحی و معنوی انسان‌ها فراهم شود. بدیهی است که چنین هدفی با چنان رشد اقتصادی که به انباشته شدن ثروت‌ها در دست قلیلی به انجامد و دیگران را محروم دارد، سازگار نیست (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۶۹، ۳۶۰).

حکومت اسلامی علاوه بر آنکه همواره عدالت را مدنظر دارد عمران و آبادی ملک مسلمین را نیز جویا می‌باشد و به همین جهت حاکم اسلامی برای دریافت خراج و مالیات که از منابع عمده درآمد حکومت می‌باشد و رشد آن بیش از هر امر دیگر مورد توجه قرار می‌گیرد جایز نیست بر توده مردمان و زحمتکشان، فشار و سختی به عمل آورد و کشاورزان را که عامل تولید و آبادی زمین می‌باشند را به جهت افزایش درآمد تنگنا و مضیقه قرار دهد، بلکه با مدارا و گشاده‌دستی به ایشان علاوه بر عمران و آبادی، عدالت نیز حاصل می‌گردد. حال آنکه سخت‌گیری بر ایشان، مانعی بر عمران و آبادی گردیده به تبع آن خراج و درآمد نیز کاهش می‌یابد.

از حضرت علی (ع) نقل است که «مسئله خراج را چنان رسیدگی و مورد توجه قرار ده که وضع خراج‌دهندگان اصلاح گردد که به‌درستی در صلاح خراج و خراج‌دهندگان، صلاح دیگران نیز هست و دیگران جز به اصلاح احوال ایشان سامان نگیرند، چراکه تمامی مردم جیره‌خوار خراج و خراج - هندگان می‌باشند و توجه تو در آبادانی زمین باید بیش از توجه نسبت به گرفتن مالیات باشد. چراکه گرفتن مالیات جزء به آبادانی ممکن نشود و کسی که بدون عمران و آبادی طلب مالیات کند، موجب ویرانی سرزمین‌ها و هلاکت بندگان خدا شود و حکومتش جزء اندکی دوام نیاورد» (شریف‌الرضی، ۱۳۸۶، ۵۳).

باید توجه داشت که اساساً دولت در نظام اقتصادی اسلام، خود را کارگزار اقتصادی همچون

سوسیالیسم نمی‌پندارد و از این‌رو توسعه و آبادانی توسط خود مردم صورت می‌گیرد و از این جهت کاهش درآمد دولت لطمه‌ای بر عمران و آبادی سرزمین اسلام نخواهد گذاشت.

برای تحقق عدالت اجتماعی در اسلام باید به دو اصل مهم تکافل اجتماعی و توازن اجتماعی توجه نمود. مطابق اصل تکافل اجتماعی، مسلمان‌ها همه در برابر یکدیگر مسئول‌اند و می‌بایست کفالت همدیگر را در هر کجا که باشند تقبل کنند و این امر را مسئولیتی لازم‌الاجرا همچون دیگر وظایف خود بدانند. املاک ضرورت و نیازمندی جنبه عملی زندگی است که معلوم می‌دارد در هر جامعه‌ای کدام نیازها، نیازهای فوری و حیاتی است. این وظیفه هم بر عهده ثروتمندان جامعه اسلامی و هم بر عهده دولت می‌باشد.

برخی از اموری که پیامبر اکرم در تأمین توأمان عدالت و تولید و فعالیت‌های اقتصادی بدان‌ها مبادرت نمود را می‌توان چنین برشمرد: «۱- عقد قراردادهای مزارعه و مساقات بین مهاجران و انصار، ۲- لغو انحصار تجارت، ۳- واگذاری املاک آباد با بایر به مردم برای آباد نگه‌داشتن یا آباد کردن، ۴- تشویق مسلمانان به کارهای صنعتی و توسعه صنایع کشاورزی و نظامی، ۵- تخصیص غنائم جنگی به مجاهدان پس از کسر خمس کمک‌های مالی مختلف از قبیل خمس، زکات یا انفاق به بیکاران به‌منظور فراهم نمودن وسیله کار و اشتغال آن‌ها، ۶- اعمال قانون ارث، ۷- عقد پیمان اخوت بین مهاجران و شرکت آن‌ها در دارایی و اموال انصار، به‌منظور امکان دادن به انصار جهت کار و

فعالیت اقتصادی و بالا بردن سطح درآمد متی، تولید و اشتغال» (میانجی، ۱۳۶۱، ۱۰۵؛ سپهر، ۱۳۵۱، ۲، ۱۳۹). رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی هر دو مطلوب و تحقق توأمان این دو مقوله، خواسته یک نظام اسلامی است و طبیعی است که برای حصول به این نتیجه نمی‌توان به یکی از آن دو توجه نمود و دیگری را به فراموشی سپرد. این هدف هنگامی امکان‌پذیر است که در حرکتی هماهنگ دنبال گردد و همچنانکه پیش از این نیز گفتیم توسعه تحولی پیشرو و هماهنگ در تمامی ابعاد یک جامعه است. مادام که پرداختن به هدف رشد، توسعه و توزیع عادلانه ثروت و درآمد تنها به‌عنوان یک آرمان و یک مقوله گفتاری و یا حداکثر یک ارزش دور از دسترس، در عینیت جامعه مورد توجه قرار نگیرد، جزء بر دوگانگی، سکون و رکود نخواهد افزود.

از دیدگاه اقتصاد اسلامی توزیع مناسب و عادلانه درآمد یکی از مصادیق عدالت اجتماعی است. به همین منظور ایجاد عدالت توزیعی در جامعه به‌عنوان یکی از راهکارهای مهم رسیدن به عدالت اجتماعی در این دیدگاه مدنظر قرار گرفته است. امام علی (ع) می‌فرماید: آن مقطع زمانی که بینوایان با فقر دست و پنجه نرم کنند، در آتش فقدان امکانات بسوزند، و در عین حال زراندوزان خوش‌گذرانی کنند و سرمایه‌ها را به شیوه‌های نادرست به کار بندند، رشد و توسعه شکل نمی‌گیرد و همچنان نابسامانی‌ها روزافزون می‌شود (فیض الاسلام، ۱۳۶۵، ۴۰۰). امام صادق (ع) می‌فرماید، امام علی به عمر فرمودند: سه چیز است که اگر به

آن عمل شود دیگر امور سامان می‌یابد و اگر ترک شود، فعالیت و اقدامات اصلاحی در امور دیگر سودبخش و مؤثر واقع نمی‌شود، یکی از این سه چیز، تقسیم عادلانه امکانات و اموال بین همه انسان‌هاست، «والقسم بالعدل بین الاحمر والاسود» (حکیمی، ۱۳۷۴، ۶، ۳۴۶). همان‌گونه که از احادیث فوق برمی‌آید از دیدگاه اسلام توزیع عادلانه درآمد یکی از عوامل مهم و اساسی در رشد و توسعه اقتصادی جوامع به شمار می‌آید و در صورت عدم وجود آن دست یافتن به رشد دشوار می‌باشد. لذا می‌توان دریافت که از این منظر عدالت توزیعی بر رشد اقتصادی مقدم بوده و به‌نوعی علت آن به شمار می‌آید. همین‌طور بسیاری از متفکران اسلامی معتقدند که اساساً در تفکر دینی رشد اقتصاد فقط از منظر عدالت‌خواهی دینی معنادار است.

رشد و عدالت توزیع را باید در کنار هم دید، ترکیبی خردمندانه از رشد و توزیع در هر مرحله از فرآیند توسعه تعیین‌کننده است. در مجموع می‌توان چنین بیان نمود در نگرش اسلامی، عدالت توزیعی به‌عنوان هدفی والا برای فعالیت‌های انسان معرفی شده است.

۶. نتیجه

در مقاله حاضر به بررسی این سوال پرداخته شد که نقش کار، تولید و اشتغال در رشد اقتصادی جامعه از منظر فقه چیست؟ نتایج نشان داد که شریعت اسلام اهمیت بسیار زیادی برای اقتصاد قائل است. در منابع فقهی و روایات مبانی و اصول

تولید و مصرف به دو صورت سلبی و ایجابی آمده است و حوزه‌ی اقتصاد ارتباط مهم، اثرگذار و تنگاتنگی با سعادت دنیوی و اخروی دارد. بر این اساس، آبادانی زمین به تعامل انسانی و همه‌جانبه افراد با خود، ممنوعان و احیای منابع حیاتی آن وابسته است. موضوع مهم و مورد تأکید در رشد اقتصادی از دیدگاه اسلام، تحقق عدالت اجتماعی است. از منظر فقه اسلامی از عدالت اجتماعی نه‌تنها در سوی دیگر از رشد و توسعه قرار ندارد، بلکه در کنار و ملزم با آن‌ها نیز می‌باشد. چگونه می‌توان تصور نمود که اکثریتی در فقر و نابرابری بسر برند و افزایش درآمد ملی از راه انباشت ثروت‌های خیلی از مردم، توسعه معنی شود. البته ممکن است آن را رشد اقتصادی در ادبیات اقتصادی کلاسیک و نه بدان معنی که در فرهنگ و معارف اسلامی از واژه «رشد» تلقی می‌شود، معرفی نمود. افزایش درآمد ملی ولو در تعارض با شئون اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی رشد محسوب می‌شود اما نه هر رشدی مطلوب و نه لزوماً توسعه‌آور و پایدار است. در نظام اقتصادی اسلام، اهدافی بالاتر از رشد و توسعه مادی در زندگی و فعالیت‌های انسانی مدنظر قرار می‌گیرد. انسان‌ها در تحصیل سعادت و خوشبختی حقیقی، و برخورداری‌های مادی برای شکوفایی دیگر استعدادهای معنوی و کمالات اخلاقی استفاده مشروع از نعم الهی و ارتقاء سطح زندگی و تولید و توسعه را در سایه ارزش‌های اصیل اخلاقی همچون عدالت، خواستار می‌باشند. در این دیدگاه رشد و توسعه به‌خودی‌خود هدف نیست بلکه وسیله‌ای در

راستای شکوفایی استعدادهای عالی انسانی می‌باشد. از این‌رو کار تنها با انگیزه نفع شخصی به تولید و رشد اقتصادی نمی‌انجامد بلکه کار و فعالیت‌های اقتصادی یک عبادت و ارزش اخلاقی نیز بشمار می‌رود. با چنین نگرشی به رشد و توسعه، عدالت اجتماعی را هرگز نمی‌توان منتفی نمود بلکه رشد و تولید خود وسیله‌ای برای بهبود مناسبات اجتماعی و اخلاقی زندگی انسان‌ها می‌باشد و عدالت خود میزان تمامی ارزش‌هاست. علاوه بر این حکومت اسلامی رسالت خود را در برقراری عدالت می‌داند و حکومت در اسلام اساساً با چنین اهدافی، معنی می‌یابد. حاکم اسلامی موظف است در برقراری عدالت، به رفع نیازهای فقیران و اداره جامعه‌ای به دور از تبعیض و استضعاف، قیام کند و با اقتدار به اصلاح ساختاری و تصحیح کارکردهای فاقد کارآیی و غیرعادلانه مبادرت نموده، با متخلفین از شرع اسلامی و حقوق مردمان برخورد نماید و برکت، عمران و آبادی را در سایه عدالت به ارمغان آورد.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به‌صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش، تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

- پورفرج، علیرضا، پیرایی، خسرو، «اثر تغییر ساختار تأمین مالی بودجه بر رشد اقتصادی در ایران»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره شصت و پنجم، ۱۳۸۳.
- جوادی آملی، عبدالله، مفاتیح الحیات، چاپ شصتم، قم، نشر اسراء، ۱۳۹۱.
- حر عاملی، محمد حسن، الوسائل الشیعه، جلد دوازدهم و هفدهم، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹.
- حقی، اسماعیل، روح البیان، جلد چهارم، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۴.
- حکیمی، محمدرضا، الحیاه، جلد هفتم، چاپ پنجم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰.
- حکیمی، محمدرضا، الحیاه، جلد ششم، چاپ پنجم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.
- حکیمی، محمدرضا، الحیات، جلد اول و پنجم، چاپ اول، تهران، مکتب نشر الثقافه الاسلامیه، ۱۳۶۸.
- خطیب، عبد الکریم، التفسیر القرآنی للقرآن، جلد ششم، قاهره، سنت محمدیه، ۱۴۲۴.
- خمینی، سید روح‌الله، صحیفه نور، جلد پنجم و چهارم، چاپ سوم، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی (گروه انتشارات)، ۱۳۷۸.
- دری نجف‌آبادی، قربانعلی، «مقاله فرهنگ و دیدگاه‌های امام خمینی»، اولین کنگره اندیشه‌های امام خمینی - دفتر نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۲.
- آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، جلد هفتم، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۴.
- آمدی، عبدالواحد، «غرر الحکم درر الکلم»، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۰.
- ابراهیمی، تقی، «امکان‌سنجی استراتژی توسعه از طریق توزیع درآمد و ثروت در اسلام»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۴.
- ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، جلد سوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳.
- ابن جوزی، ابی الفرج عبد الرحمن بن علی، المنظم فی تاریخ الملوک و الأمم، جلد دوم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵.
- ابن شعبه، حسن، تحفه العقول، قم، نشر آل علی، ۱۳۸۲.
- الحرانی، حسن بن علی، ابن شعبه، تحف العقول عن الرسول، قم، مؤسسه انتشارات آل علی، ۱۳۸۲.
- بزازان، فاطمه، «ضرایب فزاینده تولید، اشتغال و درآمد در مدل داده ستانده دو منطقه‌ای»، مجله اقتصاد مقداری، دوره هشت، شماره دوم، ۱۳۹۰.
- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، «زمینه‌سازی اسلام برای تحقق عدالت اجتماعی»، مجموعه مقالات اولین مجمع بررسی‌های اقتصاد اسلامی بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹.

- رجبی، محمدحسن، علمای مجاهد، چاپ دوم، تهران، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.
- سپهر، محمدتقی، ناسخ التواریخ، جلد دوم، چاپ اول، قم، مؤسسه مطبوعات دینی قم، ۱۳۵۱.
- شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، چاپ دوم، تهران، پیام آزادی، ۱۳۸۶.
- صدر، محمدباقر، اقتصادان، چاپ اول، تهران، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
- طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، جلد دوازدهم و نوزدهم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، جلد یازدهم، بیروت، موسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵.
- فراهانی فرد، سعید، «تعادل اقتصادی در سایه آموزه‌های حقوقی و اخلاقی اسلام»، مجله اقتصاد اسلامی، شماره ششم، ۱۳۸۱.
- فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۳.
- فیض الاسلام، علی‌نقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، چاپ اول، تهران، نشر سپهر، ۱۳۶۵.
- قطب، سید، ما چه می‌گوئیم، چاپ اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، جلد دوم، تهران، کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۶۹.
- کمیجانی، اکبر، عسگری، محمدمهدی، «تحلیل نظری آثار اقتصادی زکات و مقابله آن با مالیه تورمی»، مجله تحقیقات اقتصادی شماره شصت و چهارم، ۱۳۸۳.
- مایکل تودارو، توسعه اقتصادی در جهان سوم، جلد اول، چاپ پنجم، نشر کوهسار، ۱۳۷۲.
- مایه، پی‌یر، رشد اقتصادی، چاپ اول، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، جلد سیزدهم، بیروت، مؤسسه الطبع و النشر، ۱۴۱۰.
- مطهری، محب اله، لطفعلی‌پور، محمدرضا، احمدی شادمهری، محمدطاهر، «اثرات نرخ ارز واقعی بر رشد اقتصادی در ایران: یافته‌هایی جدید با رویکرد غیرخطی، مجله نظریه‌های کاربردی اقتصاد»، دوره چهار، شماره چهارم، ۱۳۹۶.
- مطهری، مرتضی، نظری بر نظام اقتصادی اسلام، چاپ اول، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۸.
- میانجی، احمد، مالکیت خودی زمین، جلد دوم، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱.
- نجفی، موسی، حکم نافذ آقا نجفی، چاپ اول، اصفهان، نشر موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۹۰.
- ولوی، علی‌محمد، فرهنگ کار در اسلام، چاپ اول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱.